



۱۳۲۵۵۲



دانشگاه شاهرود
دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان پایان نامه: ریشه یابی مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران

عنوان پروژه عملی: مادر

استاد راهنما: آقای مرتضی افشاری

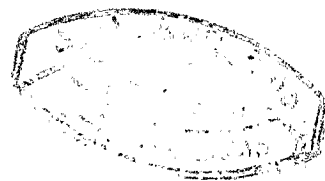
استاد مشاور: آقای علی اصغر شیرازی

نام دانشجو

رابعه ملا حسینی

۱۳۸۸/۱۲/۱۶

استاد راهنما: آقای مرتضی افشاری
تسبیح



تیر ماه ۱۳۸۷

۱۳۲۵۵۲



دانشگاه شاه

دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشگاه شاهد است و هرگونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلا مانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقاله مستخرج از پایان نامه خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام استاد راهنما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

«معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی»

تاریخ ۸۷،۸،۷
شماره ۱۴۷/ن
پیوست



صورتجلسه دفاع

رساله نظری: ریشه یابی مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران
پروژه عملی: مادر

مربوط به خانم/ آقا رابعه ملا حسینی رشته نقاشی در تاریخ ۸۷/۴/۱۸ برگزار و نمره

رساله ۱۸،۷، پروژه عملی ۱۹،۲۰ و میانگین آن به عدد ۱۹،۰
و به حروف نوزده تمام اعلام می گردد.

اعضای هیات داوران

۱- آقای مرتضی افشاری

۲- آقای علی اصغر شیرازی

۳- آقای مرتضی اسدی

۴- آقای غلامعلی طاهری

۵- آقای مهدی محمدیان

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

مدیر گروه رشته

نام و نام خانوادگی: امضاء:



دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان نامه: ریشه یابی مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران

استاد راهنما: آقای مرتضی افشاری

استاد مشاور: آقای علی اصغر شیرازی

نام دانشجو: رابعه ملا حسینی

شماره دانشجویی: ۸۴۷۴۹۵۵۰۲

رشته: نقاشی

چکیده:

پس از گسترش دلایل و آمادگی غربی ها در هنر برای ابداع و نوآوری دائمی و حرکت به سوی مدرنیسم و پس از حمایت از دیدگاه های هنر مدرن در سراسر غرب، اندک اندک تفکر، علایق و ذهنیات آنان به سایر کشورها نیز نفوذ نمود که در کشورهای شرقی مثل ایران به علت عدم آگاهی از ریشه و بنیان های هنر مدرن غرب، این گرایش هنری خیلی زود در بستری که ویژگی های فرهنگی (اعتقادی و ملی) را نداشت و بیشتر عاریتی بود گسترش یافت و حتی در مواردی هنر ملی و تاریخی خود را در راه گسترش هنر مدرن تکذیب نموده و آن را عقب مانده و نازیبا معرفی نمود و البته نباید نقش عوامل بیرونی و درونی را بر این مسئله نادیده گرفت که به گسترش و نفوذ مدرنیسم سرعت بیشتری بخشید، این گرایش به هنر مدرن غرب در قیل و بعد از انقلاب تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله حضور دانشجویان در کشورهای غربی و تاسیس دانشکده هنرهای زیبا- سیاستگذاری های دستگاه های فرهنگی و هنری کشور- سیاستگذاری های آموزشی دانشگاه های هنری و دسترسی آسان به منابع تصویری دیگر کشور ها- وجود گالری های شخصی و آموزشکده های خصوصی، صورت پذیرفته و کماکان ادامه دارد.

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

تاریخ:

امضاء:



واژگان کلیدی:

فلسفه غرب، سنت، نوگرایی، نقاشی ایرانی، نقاشان نوگرا، معاصر.

فهرست مطالب:

صفحه

مقدمه.....	۱
فصل اول: بررسی ریشه ها و زیرساخت های اجتماعی مدرنیسم در غرب و ایران.....	۵
بخش اول: تعریف مدرنیسم.....	۶
بخش دوم: زیرساخت های مدرنیسم در غرب.....	۱۴
۱- سلطنت ژوئیه.....	۱۴
۲- پدیده صنعتی شدن، انقلاب صنعتی.....	۱۹
۳- گره خوردن و پیوستن ادبیات به سیاست و صنعتی شدن ادبیات.....	۲۰
۴- گرایش های مذهبی پس از سلطنت ناپلئون در فرانسه.....	۲۴
۵- انتخابات ۱۸۶۲م در فرانسه و تحولات اقتصادی و صنعتی و تجاری مؤثر در ایجاد مدرنیسم.....	۲۴
۶- ناتوانی کلیسا در همگامی با جریان های اجتماعی.....	۲۶
۷- کنار گذاشتن اصول ویکتوریایی در انگلستان.....	۲۷
۸- بحران اقتصادی واقعی در سال ۱۹۲۹ م. در آمریکا.....	۲۸
۹- رشد شهرنشینی.....	۲۹
بخش سوم: زمینه های اجتماعی مدرنیسم در ایران.....	۳۰
۱- سیاست مدرن سازی در عصر قاجار.....	۳۰
۲- سیاست مدرن سازی در عصر پهلوی.....	۳۶
برخورد ایران با دو وجه اندیشه و آثار ظاهری مدرنیته.....	۴۰
فرهنگ پذیری و دگرگونی ارزشهای اجتماعی.....	۴۵
بخش چهارم: مقایسه و بررسی زمینه ها و زیرساخت های مدرنیسم در غرب و ایران.....	۴۹
فصل دوم: بررسی مدرنیسم در نقاشی غرب و ایران.....	۵۵
بخش اول: ظهور مدرنیسم در نقاشی غرب.....	۵۶
بخش دوم: علل نفوذ مدرنیسم به نقاشی ایران از آغاز تا دوران کمال الملک.....	۷۹
بخش سوم: علل گسترش مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران از ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی ایران.....	۹۱
۱- سیاست های آموزشی و تأسیس دانشکده هنرهای زیبا.....	۹۲

۲- اعزام دانشجویان و اساتید برای ادامه تحصیل و یا مسافرت های شخصی آنان برای تحصیل و یا آموزش بیشتر به کشورهای غربی	۹۶
۳- عدم توجه به به هویت فرهنگی منبعث از عقاید دینی و فرهنگی مردم ایران	۱۰۱
۴- سیاستگذاری های فرهنگی و هنری کشور در برگزاری و داوری دو سالانه های نقاشی	۱۰۲
بخش چهارم: علل گسترش مدرنیسم در نقاشی ایران از ۱۳۶۸ تا به امروز	۱۳۷
۱- سیاستگذاری های فرهنگی و هنری کشور در برگزاری و داوری دوسالانه های نقاشی	۱۴۳
الف- دوسالانه های داخلی	۱۴۳
ب- دوسالانه های بین المللی مانند دوسالانه جهان اسلام	۲۱۴
۲- برنامه ها و سیاستگذاری های آموزشی دانشکده های هنری	۲۴۵
۳- دسترسی به شبکه های جهانی ارتباطات و کتب خارجی	۲۵۱
۴- کوتاه شدن زمان تولید اثر در آثار مدرن	۲۵۳
۵- سیاستگذاری های دستگاه های فرهنگی در برپایی نمایشگاه های برون مرزی	۲۵۳
علاقه نقاشان به خلق آثار بدون موضوع	۲۵۴
۶- نقش گالری های شخصی و آموزشکده های خصوصی در ترویج هنر مدرن	۲۵۹
نتیجه	۲۶۹
فهرست منابع فارسی	۲۷۴
فهرست مقالات و نشریات	۲۷۵
فهرست مأخذ تصاویر	۲۸۰
گزارش پروژه عملی	۲۸۵
تصاویر پروژه عملی	۲۸۶

پیشگفتار:

پژوهش حاضر حاصل سال‌ها کنجکاوی و مطالعه من درباره مدرنیسم غربی و نفوذ آن در فرهنگ و هنر سرزمین من است. سرزمینی با پیشینه فرهنگی، تاریخی و هنری غنی متمدنی و ازدست دادن هویتش در مدتی کمتر از یک قرن، ذهن مرا به خود مشغول داشت. دیدن آثاری مربوط به نقاشی معاصر ایران از دوره صفویه و اندک اندک قاجاریه و سپس زوال هنر در دوره پهلوی این کنجکاوی را در من برانگیخت که در این زمینه پژوهش کنم. از آن پس با مطالعه فراوان و راهنمایی استادان محترم و مشورت با دوستانی که در زمینه تاریخ نقاشی معاصر ایران صاحب نظر بودند این موضوع را برای رساله نهایی دوره کارشناسی ارشد برگزیدم.

کار تحقیق به علت کمبود منابع در همان آغاز سختی خود را نمایان کرد و من مدت زیادی را صرف جمع آوری تصاویر و مطالب مورد نیاز کردم. تصاویر مربوط به نقاشی های مورد بحث این تحقیق را از منابع مختلفی که در مراجعه های مکرری که به کتابخانه ها و نمایشگاه ها و پایگاه های اینترنتی و آرشیو های شخصی و غیره داشتم جمع و استخراج نمودم. ولی با این وجود تعدادی از تصاویر مورد نیازم را علیرغم تلاش فراوان نتوانستم به دست آورم امیدوارم در آینده بتوانم در این زمینه تحقیقی کم خطا تر به انجام برسانم. کمک و راهنمایی های استاد ارجمندم جناب آقای مرتضی افشاری در پیش برد این تحقیق بسیار مفید و کارآمد بود، چنانکه بدون مساعدت ایشان بنده موفق به انجام این تحقیق نمی گردیدم و ایشان دلسوزانه صبورانه پیوسته همراه من بودند و با سپاس از راهنمایی های استاد گران قدر آقای دکتر علی اصغر شیرازی. هم چنین یاری بی دریغ پدرم و همسرم و دوست عزیز خانم سیما انصاری همواره در دشواری ها و سختی ها راهگشا بود.

از همه عزیزان سپاسگزارم.

مقدمه

هنرمندان معاصر ایرانی در راستای نفوذ مدرنیسم در جهان، خیلی زود ماهیت و ویژگی های هنری چندین ساله ی خود را که در اندیشه ها و تفکرات بومی و ملی آنها ریشه داشت فراموش می کنند و خود را به دست «نو شدن و تازه شدن» های ظاهری غربی می سپارند و متأسفانه گام های بزرگی به سوی زوال و نابودی نقاشی ایران بر می دارند که همچنان رو به افزایش و گسترش است. در این میان هیچ کس متوجه صدمات و لطمه هایی که این نفوذ و گسترش به بدنه ی نقاشی معاصر ایران وارد نموده است، نیست و این جریان با شتاب فراوان تمام عرصه های هنری را با خود همراه نموده است. در این تحقیق تلاش شده است تا ریشه های مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد که کلیات آن به شرح زیر می باشد.

تعریف مسئله:

با توجه به گرایشات و تمایلات نقاشان معاصر بخصوص در دو دهه اخیر به هنرمندان و حضور این نگاه در بخش های آموزشی و دانشگاهی که به نظر می رسد بز گرفته از تحولات زیر بنایی و اجتماعی ایران نبوده است و یک رویکرد یا حضور عاریه ای می باشد.

در همین راستا سؤال های اصلی تحقیق می تواند به شرح ذیل ارائه شود.

بیان سئوالهای اصلی تحقیق:

- ۱- آیا مدرنیسم در ایران دارای ریشه و زیرساخت های اجتماعی می باشد؟
- ۲- آیا گرایشات به نقاشی مدرن بر گرفته از جو عمومی حاکم بر فضاهای هنری می باشد؟
- ۳- علل اصلی گسترش مدرنیسم در میان نقاشان معاصر چه بود؟
- ۴- چرا با وجود پیشینه ی عظیم نقاشی در ایران، مدرنیسم در ایران حضور و جریان پیدا نمود؟
- ۵- آیا نفوذ مدرنیسم در هنر نقاشی موجب تحولات مثبت شد؟

پیشینه و ضرورت انجام تحقیق:

- ۱- حسینی، مهدی، بنیان های مدرنیسم در نقاشی ایران، هنر نامه، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۲۰.

در این مقاله به چگونگی ورود مدرنیسم به ایران در دوره قاجار و قبل از آن پرداخته شده است و تاثیراتی که نقاشان ایرانی از غرب گرفته اند و چند نمونه از آثار دوره قاجار بررسی شده که بسیار مختصر می باشد و بیشتر دوره معاصر را در بر نمی گیرد.

۲- مومنی، مهتاب، ریشه های نوگرایی در نقاشی ایران، حبیب اله آیت الهی، کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده هنر، ۱۳۸۱.

خانم مومنی در پایان نامه خود بیشتر به هنرمندان نوگرای غربی و تاریخچه نقاشی ایران تا دوره قاجار پرداخته و کمتر به دوره معاصر پرداخته است.

۳- رسولی ساروی، زهرا، بررسی و پیدایش مدرنیسم در نقاشی ایران، روئین پاکباز، کارشناسی، دانشگاه الزهراء، دانشکده هنر، ۱۳۶۹.

خانم رسولی نیز بسیار مختصر به موضوع پرداخته است. با توجه به غیر قابل تعریف بودن هنر از جمله نقاشی به لحاظ بی انتها بودن راه تحقیق در موضوع هنر، هر اندازه تحقیقی هم که قبلا به عمل آمده باشد باز تحقیقات جدید را می طلبد، با توجه به گذشت زمان و پویایی هنر در این خصوص همیشه جای تامل باقی است.

فرضیه ها:

- ۱- علاقه نقاشان به دوری از پرداختن به موضوع موجب گرایش به مدرنیسم شد.
- ۲- نظام های حاکم بر نهاد های آموزشی موجب گرایش به نقاشی مدرن شد.
- ۳- خودباختگی تحصیل کردگان در غرب موجب ترویج هنر مدرن در ایران شد.

هدف ها:

- ۱- آشکار کردن ماهیت مدرنیسم در نقاشی ایران.
 - ۲- روشن نمودن علل گرایش نقاشان به مدرنیسم.
 - ۳- مشخص کردن عوامل تاثیر گذار در گرایش هنرمندان نقاش به مدرنیسم.
 - ۴- ارزیابی صحیح و منطقی و بی طرفانه از تحولات نقاشی در ایران.
- نتایج اصلی تحقیق حاضر چه کاربردهایی خواهد داشت؟**

- ۱- استفاده در تحلیل جریان های هنری در شاخه نقاشی.

۲- استفاده در ارزیابی نظامهای آموزشی دانشکده های هنری .

ویژگی جدید بودن و نو آوری طرح چیست؟

در این طرح پژوهشگر سعی در بررسی مستند و بدون موضع گیری نسبت به این اتفاق در هنر معاصر را دارد.

روش انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن:

کتابخانه ای، میدانی، عکاسی، فیش برداری، اسکن و استفاده از سایت های اینترنتی.

معرفی جامعه آماری، روش نمونه گیری و تعداد نمونه:

در حوضه های مختلف حداقل صد نمونه اثر بررسی می شود.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

تطبیقی، تجزیه ساختاری، توصیفی.

بر اساس مطالب ذکر شده، تحقیق حاضر شکل گرفت و در نهایت در دو فصل ارائه گردید:

فصل اول که بررسی ریشه ها و زیر ساخت های اجتماعی مدرنیسم در غرب و ایران می باشد، دارای چهار بخش است:

بخش اول تعریف مدرنیسم است که به طور کلی به مفهوم و تعریف این واژه در هنر غرب پرداخته است و بخش دوم که به بررسی زیر ساخت های مدرنیسم در غرب و حوضه های مختلفی که تحولات در آن حوضه ها منجر به ظهور مدرنیسم در غرب شده است. سپس در بخش سوم زمینه های اجتماعی مدرنیسم در ایران از دوره قاجاریان مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش آخر به مقایسه و بررسی زمینه ها و زیر ساخت های مدرنیسم در غرب پرداخته شده است.

فصل دوم به بررسی مدرنیسم در نقاشی غرب و ایران پرداخته که بخش اول آن شامل ظهور مدرنیسم در غرب و نظریه های متفاوتی که در مورد آن وجود دارد، می باشد. بخش دوم علل نفوذ مدرنیسم به نقاشی ایران از آغاز تا دوران کمال الملک، یعنی نخستین گام های نفوذ مدرنیسم در ایران اختصاص یافته است و بخش سوم به علل گسترش مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران پرداخته است، از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در بخش چهارم نیز در نهایت به علل گسترش مدرنیسم در نقاشی ایران از ۱۳۶۸ تا به امروز پرداخته است.

فصل اول

بررسی ریشه ها

و

زیرساخت های اجتماعی

مدرنیسم

در

غرب و ایران

■ بخش اول تعریف مدرنیسم

ابتدا لازم است که تعریف مدرنیسم را بدانیم و با واژه‌های مدرنیسم و مدرنیته آشنا شویم.

مدرنیسم (نوگرایی) به صورت اصطلاحی عام در تاریخ فرهنگی بیانگر مجموعه بسیار متنوع و گسترده‌ای است از انقطاع‌ها و گسست‌های زیبا شناختی از سنت رئالیسم^۱ (Realism) اروپا که به طور مشخصی از اواسط قرن ۱۹م به این طرف صورت گرفته است. در متون نوگرا (شعر، داستان، نقاشی، معماری، آهنگ سازی) صورت (فرم) زیباشناختی دیگر چندان بیانگر دنیای اجتماعی بیرونی نیست، بلکه به حق به مثابه موضوع مورد توجه، دغدغه یا شیفتگی تلقی می‌شود، به خصوص درجایی که حتی ممکن است واقعیتی را تشکیل دهد که زمانی همچون آینه آن را منعکس می‌ساخت. مبدأ پیدایش و جنبش نوگرایی که تقریباً مورد اتفاق نظر قرار دارد یکی سال ۱۸۴۸م در فرانسه است که پس از سرکوب وحشیانه و بی رحمانه انقلاب آن سال نوشتن و ادبیات کلاسیک یا واقع‌گرا از آثار مشحون از بحران شارل بودلر^۲ (Charles Baudelaire) و گوستاو فلوربر^۳ (Gustave Flaubert) سردرآورد؛ و دوم سال‌های دهه ۱۸۸۰م است که در خلال این دهه شمار وسیعی از تجربه‌گرایی زیباشناختی شتابدار سربرآوردند. از ناتورالیسم^۴ (Naturalism) گرفته تا سمبولیسم^۵

۱- رئالیسم: واقعگرایی، اصطلاحی در تاریخ هنر و نقد هنری که به بازنمایی واقعیت مورد تجربه انسانها در زمان و مکان معین اشاره دارد.

۲- شارل بودلر: از مطرح‌ترین ادیبان مکتب سمبولیسم (۱۸۲۱-۱۸۶۷ م).

۳- گوستاو فلوربر: نویسنده فرانسوی، رمان مشهور مادام بوواری از اوست (۱۸۲۱-۱۸۸۰ م).

۴- ناتورالیسم: طبیعت‌گرایی، اصطلاحی در تاریخ هنر و نقد هنری برای توصیف سنجی از هنر که در آن طبیعت بدان گونه که به نظر می‌آید، بازنمایی می‌شود.

۵- سمبولیسم: نمادگرایی، در معنای خاص، جنبشی در ادبیات و هنرهای بصری که ریشه در رمانتیسم داشت (حدود ۱۸۸۵-۱۹۱۰ م).

(Symbolism) ، کوبیسم (Cubism)^۱، اکسپرسیونیسم (Expressionism)^۲ ، فوتوریسم^۳ (Futurism) ، کانستراکتیویسم^۴ (Constructivism) ، مکتب ترکیبی ورتیسیسم (vorticism) انگلیسی جنبش هنری آبستره و انتزاعی که مشتمل بر آمیزه و ترکیبی از مفاهیم مکتب کوبیسم و فوتوریسم است و حوالی سال های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۵ م خلق گردید. سوررئالیسم^۵ (Surrealism) ، دادائیسم^۶ (Dadaism) و دیگر مکاتب و جنبش های ادبی و هنری، نقطه اوج نوگرایی (مدرنیسم) به تأیید اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان و متفکرین ، سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۰ م است که پس از آن صدای هنرمندان نوگرا در آلمان هیتلری و روسیه استالینی خفه گردید و خود آن ها نیز محکوم به مرگ شدند. در دیگر نقاط اروپا نیز واکنشی نسبت به زیباشناسی واقع گرا توجه به مسئولیت و تعهد اجتماعی به جای تجربیات فردی در هنر به مثابه پاسخی در برابر قطبی شدن لباسی بیش از حد قاره اروپا سر برآورد.

شاید نخستین بار این هگل^۷ (Hegel) بود که تحلیل جامع و بی نظیری درباره شرایط انسان مدرن ارائه کرد. شخصیتی که تاریخ را در برابر خود و خود را در برابر تاریخ قرار می دهد، و در این باره به تأمل می نشیند که آیا این دو در هماهنگی و هم سوئی با یکدیگر هستند یا نه؟^۸

۱- کوبیسم: جنبش هنری که به سبب نوآوری در روش دیدن، انقلابی ترین و نافذترین جنبش هنری قرن بیستم به شمار می آید.

۲- اکسپرسیونیسم: این اصطلاح را برای توصیف آثاری به کار می برند که هنرمند در آنها به منظور بیان عواطف و حالات درونی، دست به کژنمایی واقعیت زده باشد.

۳- فوتوریسم: آینده گرایی، نام جنبش ادبی، هنری که در سال ۱۹۰۹ م در میلان شکل گرفت و به ستایش دنیای نوین، ماشین، سرعت و خشونت می پرداخت.

۴- کانستراکتیویسم: ساختگرایی، جنبشی هنری که بر اساس انطباق زیبایی شناسی صور هندسی با اصول فنی علم نوین.

۵- سوررئالیسم: فراواقعگرایی، جنبشی در هنرها و ادبیات که در پی شکاف در دادا با بیانیه برتون آغاز شد (۱۹۲۴) م.

۶- دادائیسم: جنبش اعتراضی که توسط چند شاعر و نقاش آغاز شد (۱۹۱۶) م.

۷- هگل: فیلسوف آلمانی (۱۷۷۰-۱۸۳۱) م.

۸- زیگموند بامن، «مدرنیته چیست؟»، مدرنیته و مدرنیسم، حسینعلی نوزری، چاپ اول، نقش جهان، تهران، ۱۳۷۸، ص

مدرنیسم MODERNISM نوگرایی. به طور اعم اصطلاحی است که به روش و بیانی که ویژه روزگارتو باشد، اطلاق می شود. در هنرها و ادبیات، به معنای گسستن خود آگاهانه از گذشته و جستجوی قالب های جدید برای بیان است: و به خصوص، بر جنبش های پیشتازتر نیمه نخست سده بیستم دلالت می کند (گاه، در توصیف جریان های هنری پس از جنگ جهانی دوم، اصطلاح «مدرن پسین» را به کار می برند. و به جنبش ها و گرایش های پیش از آن، عنوان «مدرن آغازین» می دهند).

مدرنیسم در هنرهای بصری، از یک رشته تحولات اجتماعی، فرهنگی و هنری اروپا در سده نوزدهم ناشی شد. تلاش برای رهایی از بن بست هنرآکادمیک که خود عصاره سنت طبیعت گرایی بود هنرمندان نوجو را به تجربه های جدید کشانیده، آنان به انگیزه راهجویی و بدون آنکه مسیر آینده را پیش بینی کنند امکانات تجسمی رنگ و خط را از نو آزمودند. آن ها پیگیرانه کوشیدند که از راه خود بیانگری به یک آرمان جدید دست یابند. در این رهگذر، دگرگونی بنیادی در معیارها و مفاهیم زیبایی شناختی و اصول فنی هنر ایجاد شد؛ و از مجموعه دستاورهای نوپدید، زبان هنری نوینی برای تبیین و تفسیر مفهوم عمیق تری از واقعیت شکل گرفت.

مدرنیسم، در روند نفی ارزش های سنتی، تغییر اساسی در پایگاه اجتماعی هنرمند و کارکرد هنر پدید آورد. اگرچه امپرسیونیسم^۱ (Impressionism) و پست امپرسیونیسم^۲ (Post- Impressionism) را باید سرآغاز و زمینه ساز تحولی جدید در هنر غرب دانست؛ در واقع، مدرنیسم با جنبش فووا^۳ (Fauves) متولد شد. اکسپرسیونیسم، کوبیسم، از دیگر جلوه های مهم مدرنیسم به شمار می آیند.^۴ مدرنیسم ناظر بر نو شدن و تحول در همه جوانب فرهنگی، هنری و اجتماعی است و

۱ - امپرسیونیسم: نخستین جنبش نقاشی مدرن.

۲ - پست امپرسیونیسم: اصطلاحی نه چندان روشن و دقیق درباره آثار هنرمندانی که در برابر نقاشی امپرسیونیست واکنش نشان دادند.

۳ - فوویسم: جنبش مهم در نقاشی سده بیستم میلادی است که اهمیت آن در بهره گیری جسورانه از رنگ ناب-آزادسازی رنگ از کارکرد توصیفی محض و تأکید بر ارزشهای تزئینی و بیانی آن- بود.

۴ - روئین پاکبان، دایره المعارف هنر، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۲۶.

به طور کلی تمامی نموده‌های تمدن جدید غرب را در بر می‌گیرد. این واژه بسیار پیچیده است چرا که از یک سو به فلسفه و فرهنگ دوران مدرن اشاره دارد و از سوی دیگر جنبش‌های تاریخ هنر در یک صد سال میان ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ را در بر می‌گیرد. یکی دیگر از دلایل پیچیدگی مدرنیسم آن است که هر یک از نظم‌های آکادمیک بر یکی از جنبه‌های آن تأکید می‌ورزد و آن را مهم می‌شمارد. مدرنیسم آغازگاه مشخصی ندارد. شروع مدرنیسم در موسیقی، روزهای پایان سده نوزدهم است اما مدرنیسم در ادبیات با آثاری آغاز می‌شود که در دو دهه نخستین سده بیستم نوشته شده است و در تاریخ هنرهای تجسمی، آغاز گاه آن دهه ۱۸۵۰ م است؛ یعنی همان روزهایی که شارل بودلر مقالات «نقاشی زندگی مدرن» را می‌نوشت و از نقاشان می‌خواست که تجربیات روزگار خود را تصویر کنند. مدرنیسم در آغاز به هدف مخالفت با کلاسیسیسم^۱ (Classicism) و سبک‌ها و میثاق‌های کلاسیک پدید آمد و بر تجربه و پیدا کردن حقیقت درونی در پس پشت ظاهر تأکید می‌ورزید اما برخی از هنرشناسان آغاز گاه مدرنیسم را جنبش‌هایی می‌دانند که در سال‌های ۱۸۹۰ م تا ۱۹۰۰ م پدیدار شد؛ یعنی همان سال‌هایی که شاهد اختراعات و رشد تکنولوژی بود. به هر حال مدرنیسم ناظر بر مدرن بودن و مدرنیته است و ویژگی‌های کلی آن را می‌توان به این نحو خلاصه کرد: خودآگاهی زیبایی‌شناسانه و کشف تضادها و ایهام‌ها و نااطمینانی‌ها، طبیعت بی‌پایان واقعیت، نفی اندیشه شخصیت منسجم و تأکید ورزیدن بی حساب و گاه افراط آمیز بر نظریه‌های فروید^۲ (Freud). مدرنیسم در بزرگترین سلسله مشرب‌ها و جنبش‌های کوچکتر هم هست و از امپرسیونیسم و سمبولیسم گرفته تا فوویسم و کوبیسم و سورئالیسم و ... همه بر نظریه‌های خود، در قالب مدرنیسم تأکید ورزیده‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های مدرنیسم آن است که هرگز رشد همسان نداشته است و در هر جا، در یک

۱ - کلاسیسیسم: کلاسیک‌گرایی، اصطلاحی در تاریخ هنر و نقد هنری که به کوشش برای احیای خصلت آرمانی در هنر - بخصوص با پیروی از اصول کلاسیک باستان - اشاره دارد.

۲ - زیگموند فروید: پایه‌گذار روانشناسی نوین (۱۸۵۶-۱۹۳۹ م) امپراتوری اتریش پیشین.

دوران و زمان خاص به اوج شکوفایی رسیده است. در آلمان در دهه ۱۸۹۰ م و بار دیگر در طول چند سال پیش از جنگ جهانی اول به اوج رسید، در روسیه در سال های پیش از انقلاب شکوفا شد، در انگلستان در محدوده سال های ۱۹۰۸ م و در آمریکا پس از ۱۹۱۲ م شکوفایی خود را تجربه کرد، تنها در فرانسه است که مدرنیسم اوج و قله مشخصی ندارد و بیشتر به شکل فلات گسترده و مرتفعی است که از نیمه دوم سده نوزدهم تا اواخر دهه ۱۹۳۰ م گسترش و امتداد می یابد.^۱ معمولاً مدرنیته و مدرنیسم با هم به کار برده می شوند و گاه یکی به جای دیگری می نشیند. لذا بدین مناسبت ضرورت دارد که واژه مدرنیته نیز تعریف و توصیف گردد. مدرنیته یعنی تجدد و نوگرایی. مدرنیته با رنسانس پدید آمد، پیشرفت اقتصادی و مدیریت خرد گرایانه را در پی داشت، حساب ارزش از حقیقت و اخلاقیات از قلمروهای نظری جدا شد ماحصل این پیشرفت ها پیدایش دولت شهرهای سرمایه داری و صنعتی بود.

اما این انتساب از دیدگاه تاریخی بسیار کم دامنه است چرا که بسی پیش از آن، در سده دوازدهم، بسیاری از مردم خود را مدرن تصور می کردند و مدرن می نامیدند. به دشواری می توان به تمام عواملی که در پدید آمدن مدرنیته دخالت داشته اند اشاره کرد اما بی تردید سفرها و کشفیات سده پانزدهم اصلاح گری های مذهبی سده شانزدهم و انقلاب علمی و صنعتی سده هفدهم نقشی بزرگ در دگرگونی اندیشه های انسانی ایفا کرده اند. این طور هم می توان گفت که مدرنیته با دگرگونی برداشت انسان از خویشتن همراه بود که خود ریشه در اومانیسم^۲ (Humanism) دوران رنسانس داشت ولی در سده هفدهم به اوج رسید و تبلور یافت. در سده های هفدهم و هجدهم، نگرش انسان به جهان و تصویر و تصویری که از جهان و کائنات در ذهن داشت یک سره دگرگون شد و جهانی تازه پا به هستی گذاشت. در این جهان

۱- علی اصغر قره باغی، تبارشناسی پست مدرنیسم، چاپ اول، دفتر پژوهشگاههای فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۷.

۲- اومانیسم: مذهب اصالت بشر.

تازه بسیاری از باورها، جای خود را به شک و تردید سپرد. از دیدگاه فلسفی، این دوران تازه مبتنی بر اندیشه «خرد» بود و به همین اعتبار هم هست که آن را «عصر خرد» می‌نامند و همواره سده هجدهم، واژه «روشنگری» را به ذهن متبادر کرده است. به سبب هایی که برشمردیم، مدرنیته به دو دوران مجزا تقسیم می‌شود:

- ۱- مدرنیته پس از انقلاب صنعتی که انسان تا آغاز انقلاب صنعتی را دربر می‌گیرد.
 - ۲- مدرنیته پس از انقلاب صنعتی که انسان و جهان را «به نظم دوم» و دوران تولید صنعتی و بورژوازی کشاند و در آغاز سده بیستم به اوج خود رسید. مدرنیته یک پروژه نیمه تمام و مدرنیسم پدیده ای مسلط اما مرده می‌باشد.^۱
- واژه مدرن در قرن ۱۷م وارد عرصه منازعات روشنفکری اروپای غربی شد (گرچه بطور پراکنده و منفرد از قرن ۵ به این طرف مورد استفاده قرار می‌گرفت). وجه بارز و آشکار معنای آن چیزی معادل «رایج»، «جاری» مرسوم، متداول یا «چیزی دارای خاستگاه، منشأ اخیر و معاصر» بود لیکن بستر و زمینه ظهور و شهرت و اعتبار روز افزون آن بیانگر معنایی به مراتب وسیع تر، گسترده تر و عمیق تر از معنای صرفاً فنی آن است. کیفیت یا حالتی دال بر «واجد خواستگاه معاصر بودن» و «به تازگی خلق شدن» که ناگهان به صورت موضوعی مورد توجه شدید درآمده بود و ظاهراً اهمیت و اعتبار همه جانبه و بدیعی پیدا کرده بود. این اهمیت و اعتبار از ارزش‌های روبه تحولی ناشی می‌شد که اکنون برخلاف قرون پیشین از مقوله «جدید» یا «نو» در برابر «قدیم» و «کهن» حمایت می‌کرد. منکر هرگونه اقتدار و اعتبار برای گذشته بود، هیچ گونه احترام یا حرمتی برای گذشته و سنت قایل نبود. از تمایل و آمادگی برای ابداع و نوآوری و رفتن به قلمروهایی که تا پیش از آن احدی جرئت پای گذاردن بدان قلمروها را حتی به مخیله خود نیز راه نداده بود حمایت و پشتیبانی می‌کرد. ایده مدرن، درست از لحظه ورود پیروزمندانه و با شکوه خود به عرصه گفتمان عمومی، عاطل و بی فایده و از دور خارج شده، برآمده، جریانی که به

^۱- علی اصغر قره باغی، ص ۲۶.